

بررسی معناشناسی دعا در قرآن کریم در سه گام

حسین حسینی امین^۱

محمد کرمی نیا^۲

جواد صیدانلو^۳

چکیده

معناشناسی بخشی از زبانشناسی امروزی (زبانشناسی توصیفی و ساخت گرا) است. معناشناسی به دنبال مطالعه و بررسی شرایط تولید معنا و دریافت آن نزد خواننده است. در واقع، نویسنده اثر را به عنوان تولید دستورزبانی و گرامری نگاه نمی‌کند و در نگاهی نو به مطالعه فرهنگ واژه و جهان‌بینی حاکم بر آن می‌پردازد. از این رو، با علم تفسیر متفاوت است. این روش در میان مستشرقان نظیر ایزوتسو و برخی از محققان اسلامی به کار گرفته شده است.

پژوهش حاضر به کمک دانش معناشناسی با رویکرد به محورهای خرد و کلان و روابط همنشینی و جانمایی به مفهوم دعا در قرآن کریم در سه گام می‌پردازد. در اولین گام به بررسی معناشناسی واژگانی دعا بر پایه معنای وضعی و لغوی و مطالعه جهان‌بینی و فرهنگ قومی عرب جاهلی در پیش از اسلام پرداخته است. در دومین گام برای رسیدن به معنای واژه دعا، به شبکه معناشناسی واژه‌های هم‌معنا، واژه‌های متضاد، و واژه‌های ملازم دعا در قرآن پرداخته است. در آخرین گام، به تحلیل متنی دعا و تعریف دعا و بررسی واژه‌های کلیدی و کانونی آن در قرآن می‌پردازد.

واژگان کلیدی: قرآن، دعا، معناشناسی، شبکه معنایی، ترادف و تضاد و ملازمه.

۱- استادیار و عضو هیئت علمی گروه الهیات و معارف اسلامی گرایش فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه ولیعصر (عج)، رفسنجان، ایران

hosseiniamin-h@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری کلام امامیه، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران. نویسنده مسئول karaminia.mohammad@yahoo.com

۳- طلبة سطح سوم حوزه علمیه، دانشجوی دکتری کلام امامیه، دانشگاه قرآن و حدیث قم، ایران javadhafez66@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۸

مقدمه

معناشناسی بخشی از زبانشناسی امروزی (زبانشناسی توصیفی و ساخت گرا) (مشکاةالدینی، ۱۳۸۵: ۴۷-۴۸ و ۶۵-۶۷)، روشی برای بررسی واژگان است. همان طور که میان کلمات و جملات آیات قرآن پیوستگی معنایی خاص برقرار است و تمام آن‌ها از جانب خداوند حکیم، برای القای پیامی ویژه ترتیب یافته‌اند، میان مفردات آن نیز پیوندهای معنایی ویژه برقرار است؛ بنابراین هر واژه جایگاه خاص خود را دارد و معنای خود را در ارتباط با سایر واژگان قرآن می‌یابد. این ارتباط‌های معنایی مورد توجه زبان‌شناس ژاپنی، ایزوتسو در کتاب (خدا و انسان در قرآن) قرار گرفته است. این پژوهش درصدد است با تحلیل ارتباط معنایی واژه‌هایی که با واژه دعا در یک حوزه معنایی قرار می‌گیرند، و با توجه به دو محور جانمایی و هم‌نشینی بررسی شبکه معنای آن در گستره‌های ترادف، تضاد و تلازم، به تبیین جایگاه معنایی دعا در قرآن بپردازد. در بازگردان آیات به زبان فارسی از ترجمه محمد مهدی فولادوند استفاده شده است.

۱. ادبیات نظری پژوهش

۱-۱. پیشینه پژوهش

درباره معناشناسی واژه «دعا» و دیگر واژگان پژوهش‌های زیادی سامان یافته است که از میان آن‌ها می‌توان این موارد را برشمرد:

الف- کتاب

۱- محمد خاقانی اصفهانی، کبری رحیمی نوکانی، «جلوه‌های بلاغی دعا در قرآن کریم»، ۱۳۹۸، تهران: ویهان. این کتاب درباره مسایل لغوی قرآن و معانی و بیان مسایل ادبی آن بحث و گفتگو می‌کند سپس جلوه‌های آیات دعایی قرآن کریم را به مخاطب ارایه می‌نماید تا اعجاز بلاغی را در انتخاب الفاظ مناسب و معانی آن‌ها روشن سازد.

ب- مقاله

۱- اعظم پرچم و مستانه ابوترابیان، «توسعه معنایی دعا در قرآن»، فصلنامه آموزه‌های قرآنی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۵، بهار و تابستان ۱۳۹۱.

نویسندگان در این مقاله به شیوه معناشناسی توصیفی در صدد تبیین ارتباط واژه دعا با کلمات مرتبط با آن در قرآن کریم می‌باشند.

۲- کبری رحیمی نوکانی، «جلوه‌های بلاغی دعا در قرآن»، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، بهار ۱۳۹۸ و دوره جدید، شماره ۱۵، صص ۱۰۱-۱۱۸.

نویسنده در این مقاله به تبیین بلاغت آیات دعایی در قرآن می‌پردازد و اعجاز بلاغی را در انتخاب الفاظ مناسب و معانی جالب می‌داند.

۳- فاطمه قربانی لاکتراشانی و ابراهیم فلاح، «بررسی شبکه معنایی حب در پرتو واژگان جانشین و متقابل در قرآن» فصلنامه مطالعات ادبی متون اسلامی، تابستان ۱۳۹۸، دوره چهارم، شماره ۱۴، صص ۸۱-۱۰۳. نویسندگان در این مقاله در صدد هستند که با نگرشی فراگیر به کل متن قرآن کریم و با ذکر شبکه معنایی به تحلیل و بازیابی معنا حب بپردازند.

۴- ابراهیم فلاح و صدیقه نصیری خلیلی، «معنا شناسی لغو از منظر قرآن کریم» فصلنامه مطالعات ادبی متون اسلامی، پاییز ۱۳۹۷، دوره سوم، شماره ۱۱، صص ۶۹-۹۵.

نویسندگان در این مقاله با هدف بررسی و تبیین جایگاه معنایی واژه لغو به شیوه معناشناسی توصیفی و با روش کتابخانه‌ای به معناشناسی واژه لغو و هم‌چنین شبکه معنایی آن از دیدگاه قرآن کریم پرداخته‌اند. اما هیچ یک از پژوهش‌های یاد شده یا دیگر پژوهش‌هایی که درباره دعا انجام گرفته است، معناشناسی این واژه را در محورهای خرد و کلان، رابطه هم‌نشینی و جانشینی و شبکه معنایی دربرگیرنده مترادف، تضاد و تلازم بررسی نکرده‌اند؛ بنابراین امتیاز این پژوهش از دیگر آثار محققان قرآنی در زمینه معناشناسی، در آن است که بر اساس روشی نوین به معناشناسی دعا در قرآن می‌پردازد.

۲-۱. پرسش‌های پژوهش

۱- دعا بر اساس روش نوین معناشناسی چگونه معنا و تفسیر می‌شود؟

۲- شبکه معنایی واژگان هم‌معنا، متضاد و ملازم «دعا» با توجه به دانش معناشناسی چگونه تبیین می‌گردد؟

۳-۱. فرضیه‌های پژوهش

۱- به کمک دانش معناشناسی در محورهای خرد و کلان و روابط هم‌نشینی و جانشینی و شبکه معنایی و بررسی لغوی و بافتی و تاریخی، مفهوم دعا در قرآن تبیین می‌گردد.

۲- جهت رسیدن به معنای واژه دعا، دسترسی به شبکه معناشناسی واژه‌های هم‌معنا، واژه‌های متضاد و واژه‌های ملازم دعا در قرآن گریز ناپذیر است.

۴-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

معناشناسی بخشی از زبان‌شناسی امروزی و روشی برای بررسی واژگان است. دعا یکی از مقوله‌های بسیار زیبا و جذاب به شمار می‌رود که همواره در زندگی بشر دارای جایگاهی بس والا و مقدس بوده است. در این گستره، عده‌ای معتقد هستند دعا، پدیده‌ای مهم و کارآمد نیست؛ لذا در غیاب آن، چیزی را از دست نخواهیم داد؛ در مقابل

برخی دیگر نیز اعتقاد دارند که مراجعه به نیایش و پرداختن به آن از آنجا ضروری است که با خواندن دعا به ثواب و مغفرت و احتمالاً حاجتی می‌رسیم یا شفا و بهبودی بیماری را طلب می‌کنیم. به همین جهت اهمیت پرداختن به بررسی واژه دعا از چشم‌اندازهایی گوناگون به ویژه رویکردهای نوین زبانی آشکار می‌گردد.

۱-۵. روش پژوهش

روش این پژوهش آمیزه‌ای از نقلی و حیانی و ادبی زبانشناختی است و ابزار گردآوری داده‌ها، قرآن و کتاب‌ها و پژوهش‌های در دسترس می‌باشد که با شیوه تحلیلی و توصیفی این مراحل به فرجام می‌رسد.

۲- معنا شناسی^۱

این دانش، ابزاری جدید برای کشف دلالت الفاظ در اختیار قرآن پژوهان قرار می‌دهد. آنچه در علم معناشناسی، ارتباطی تنگاتنگ با دانش تفسیر دارد. معناشناسی زبانی است که درون زبان و با مطالعه نمودن معنا به دنبال کشف چگونگی عملکرد ذهن انسان در درک معنا از طریق زبان می‌باشد. در این نوع معنا شناسی اعتقاد بر این است که معنای یک واژه را می‌توان بر اساس محیط وقوع آن در یک بافت زبانی تعیین کرد. (پالمر، ۱۳۷۴: ۱۵۷-۱۵۸)

- معنا شناسی واژگان: نخستین سطح در معنا شناسی هر متن، شناخت معنای واژگان آن است.
- معنا شناسی جملات: برخی زبان شناسان اعتقاد دارند که معنای یک واژه را می‌توان بر اساس محیط وقوع آن در یک بافت زبانی تعیین کرد. (ایزوتسو، ۱۳۷۳: ۱۳-۱۴)

- شبکه معنایی واژگان: راهی که معنا شناسی جدید ارایه می‌دهد، استخراج شبکه معنایی واژگان و اصطلاحات مرتبط با یک حوزه معنایی است. گام اول در دستیابی به شبکه معنایی در مطالعات قرآنی، یافتن واژگان مربوط به موضوع مورد تحقیق است. البته ناگفته نماند که قبل از این کار باید تمام قرآن به طور کامل مورد مطالعه قرار گیرد، سپس اسما و افعالی که به نوعی با موضوع مورد بحث ارتباط معنایی دارند، استخراج شوند. گام دوم بررسی واژگان کلیدی در دو محور خرد و کلان است.

۲-۱. معنا شناسی در محور خرد^۲

در این نوع معنا شناسی با کاوش در معنای لغوی و اصطلاحی هر واژه، مؤلفه‌های معنایی آن تعیین می‌شوند. مؤلفه‌های معنایی، مشخصه‌هایی هستند که ویژگی‌های متمایز مفاهیم را از طریق ایجابی یا سلبی نشان می‌دهند.

1. Semantic
2. Semantic to the micro axis

از روش‌های سنتی مطالعه مفاهیم، توصیف هر مفهوم بر حسب مجموعه‌ای از مؤلفه‌های معنایی با شرایط لازم و کافی است، شرایطی که باید در نظر گرفته شود تا مفهومی دانسته شود، اگر بتوان آن مفهوم را از سایر مفاهیم متمایز کرد، شرایط کافی تلقی خواهد شد. (صفوی، ۱۳۸۰: ۷۱) تحلیل معنا از طریق مؤلفه‌های معنایی، تحلیل مؤلفه‌ای نام دارد که در بررسی روابط مفهومی کاربرد فراوان دارد. (پالمر، ۱۳۷۴: ۱۴۷) هم‌چنین برای دستیابی به مؤلفه‌های معنایی یک واژه، دو راه ریشه‌یابی (اشتقاق) و سیاق ضروری است.

الف- ریشه یابی (اشتقاق)

در اشتقاق به منظور درک مؤلفه‌های معنایی واژه در لغت، اسم ذات و معنای لغوی آن واژه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ب- سیاق

در سیاق، موارد کاربرد واژه در متن جستجو و مؤلفه‌های مربوط به سیاق استخراج می‌گردد. سیاق نقشی مهم در شناخت مؤلفه‌های معنایی واژگان دارد؛ چرا که هر واژه متناسب با مؤلفه‌های معنایی خویش؛ با واژگان هم‌معنای خود در محور هم‌نشینی و با واژه‌های ملازم و متناسب در محور جانشینی قرار می‌گیرد و جایگاه ویژه در جمله و متن پیدا می‌کند. (صفوی، همان: ۹۸)

معناشناسی بر اساس بافت زبانی، معنا را بر حسب چگونگی توزیع واژه‌ها در گونه‌های مختلف کاربرد و با توجه به روابط هم‌نشینی و جانشینی میان واحدهای زبان مورد بررسی قرار می‌دهد و به توصیف معنای واژه‌ها نسبت به سایر مفاهیم مرتبط و بررسی روابط مفهومی می‌پردازد. (پالمر، ۱۳۷۴: ۱۵۹)

۱-۲- بررسی معنای وضعی و بافتی (سیاق)

معنای وضعی و لغوی یک کلمه چیزی ذاتی و درونی از خود آن کلمه است و تا زمانی که این کلمه در جامعه زبانی به صورت یک کلمه باقی است، خواه در قرآن باشد یا در خارج آن، این معنا از آن کلمه انتقال پیدا نمی‌کند؛ مثلاً کلمه کتاب، خواه در قرآن باشد و یا در خارج آن معنای وضعی و لغوی واحدی چون نوشته و نامه را در بر دارد و این کلمه تا زمانی که به صورت یک اصطلاح کلیدی به کار رفته شود، یا به شکلی عام‌تر و در خارج آن نظام خاص استعمال شود، این معنا از آن جدایی ناپذیر است. این معنا دارای دلالت ضمنی (نسبی) می‌باشد؛ یعنی اگر کلمه با معنای وضعی و لغوی مشخص در وضعیت خاص و در زمینه‌ای خاص قرار بگیرد، معنایی که به معنای اصلی کلمه افزوده می‌شود و در این نظام جدید، نسبت به سایر کلمات دیگر نسبت‌ها و روابطی گوناگون پیدا می‌کند، معنای نسبی کلمه یا همان جستجوی معنا در بافت و سیاق است، مثلاً همان کلمه کتاب به محض آن که وارد دستگاه لغت اسلامی شد، ارتباطی خاص با بعضی کلمات مهم قرآنی هم‌چون الله،

وحی، تنزیل و نبی پیدا کرد. کلمه یادشده در ترکیب خاص اهل کتاب در قرآن، معنای مردمان دارای کتاب آسمانی هم چون یهودیان و مسیحیان را یافت. از آن پس این کلمه در زمینه قرآنی باید در رابطه و نسبت با این اصطلاحات منظور شود و همین ارتباط و اشتراک به کلمه کتاب رنگ معناشناختی خاصی بخشید که بسیار پیچیده و ساخت معنایی ویژه برای آن فراهم آمده است که اگر بیرون از دستگاه نظام اسلامی باقی می ماند، هرگز چنین نمی شد. (ایزوتسو، ۱۳۸۸: ۱۳-۱۵)

۲-۲. رابطه همنشینی^۱

زمانی که یک جفت واژه با ویژگی‌های بنیادین مشترک کنار هم بر روی یک محور قرار گیرند، یک امکان وجود دارد که معنای واژگان هم‌نشین، به یکدیگر منتقل گردد و این اثبات می کند که دستیابی به مؤلفه‌های معنایی یک واژه بدون بررسی هم‌نشین‌های آن ممکن نیست. (صفوی، ۱۳۸۰: ۱۹۶)

۲-۳. رابطه جانشینی^۲

واژه در محور جانشینی، ارتباط عناصر زبانی را با جانشین‌های آن‌ها توصیف می نماید و در اصل روابط موجود میان واحدهایی است که همگی از مقوله دستوری یکسانی می باشند و روی یک محور عمودی قرار می گیرند و می توانند به جای یکدیگر بیایند و معنای جمله را تغییر دهند. (باقری، ۱۳۷۸: ۴۲-۴۳)، اما در یک زنجیره گفتار و جمله فقط یکی از آن‌ها انتخاب می شود و بقیه را نفی و طرد می کند و در همان سطح، واحد معنایی تازه‌ای را پدید می آورد. (صفوی، ۱۳۸۰: ۲۸)

لذا با بررسی واژه در دو محور جانشینی و هم‌نشینی در کنار سومین بعد مؤلفه‌های معنایی؛ یعنی جایگاه واژه در عربیت و سیاق می توان به مؤلفه‌های معنایی آن واژه دست یافت.

۲-۴. معناشناسی در محور کلان^۳

موضوعی که در مطالعه درون زبانی اهمیت دارد، این است که واحدهای هم حوزه به صورت هم‌زمانی مورد مطالعه قرار می گیرند؛ یعنی در فهم معنا عنصر زمان حذف می شود و تطورات واژگان در طول زمان لحاظ نمی شود، بلکه کل متن در یک مقطع زمانی فرض می شود و مورد مطالعه قرار می گیرد. در این روش معنا شناسی، از سطح واژه و گزاره فراتر می رود و کل متن را معیار و موضوع قرار می دهد. این نوع معنا شناسی دارای دو اصل است که اینک به توضیح آن‌ها خواهیم پرداخت:

1. Semantic relationship
2. Paradigmatic relationship
3. Semantic to the large axis

۲-۴-۱. اصل اول همزمانی^۱

عدم استقلال حوزه‌های معنایی: این امکان است که اعضای یک حوزه معنایی به طور همزمان در چندین حوزه معنایی مختلف قرار گیرند که نشان می‌دهد حوزه‌های معنایی مستقل از هم نیستند و بر حسب واحدهای مشترک به یکدیگر پیوند خورده و یک شبکه معنایی را به وجود آورده‌اند.

۲-۴-۲. اصل دوم همزمانی^۲

سلسله مراتب حوزه‌های معنایی: واحدهای تشکیل دهنده یک حوزه معنایی الف و ب، به دلیل اشتراک در واحد ب از حوزه معنایی الف انتزاع یافته و حوزه معنایی ج را پدید می‌آورند که در رابطه با حوزه معنایی الف قرار می‌گیرد. (صفوی، ۱۳۸۰: ۲۷)

۳. ریشه یابی و اشتقاق واژه دعا

دعا از ریشه «دعو» می‌باشد. ابن فارس در تبیین معنای این واژه می‌گوید: «دعا آن است که کسی را با صدا و کلام، متوجه خود کنی». (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۸۲۲/۲)

جوهری در کتاب الصحاح می‌گوید: «دعا به معنای دعوت کردن است». (جوهری، ۱۴۰۷ق: ۶/۲۸۳۳) و صاحب قاموس آن را چنین تعریف می‌نماید: «دعوت گاهی به معنای مطلق خواندن است و گاهی هم به معنای طلب و استمداد می‌باشد». (قرشی، ۱۳۸۶: ۳۴۴/۲)

راغب نیز چنین آورده: «الدعاء كالنداء إلا أن النداء قد يقال بيا أو أيا» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۱۵) دعا همان ندا است با این تفاوت که در ندا از حروف ندا، مانند یا و ایا استفاده می‌شود. بر پایه این سخن، اصل در دعا خواندن با صوت و لفظ است؛ لکن کثرت استعمال این واژه در دعوت با نوشته و اشاره و امثال آن، مفهوم این واژه را اعم از خواندن با صوت و لفظ گردانیده است. بنابراین کلمه دعا اعم از ندا است؛ زیرا ندا اختصاص به باب الفاظ و اصوات دارد ولی دعا می‌تواند با لفظ، با اشاره و امثال آن باشد، افزون بر این ندا در معنای حقیقی اش حتماً باید با صدای بلند باشد، ولی دعا مقید به صدای بلند نیست. به نظر راغب: «دعا گاهی به معنای تسمیه و نامیدن به کار می‌رود، مثل (دعوتُ ابني هذا زيدا)، یعنی پسر مرا زید نامیدم». (همان)

لذا می‌توان نتیجه گرفت معنای اصلی واژه دعا به نوعی ارتباط میان داعی و مدعو و توجه داعی به مدعو است.

1. First principle of synchronization
2. Second principle of synchronization

۴. مشتقات واژه دعا و بسامد آن در قرآن

واژه دعا و مشتقات آن در قرآن کریم، ۱۹۹ مرتبه به کار رفته است؛ که ۳۱ مرتبه به صورت مصدر و اسم (دُعَا، دَعْوَةٌ و دَعْوًا) آمده است؛ مانند: «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاءِ» (ابراهیم/۴۰)، «پروردگارا، مرا برپادارنده نماز قرار ده، و از فرزندان من نیز، پروردگارا، و دعای مرا بپذیر» و ۱۶۸ مرتبه به صورت فعل، ۲۷ بار ماضی: دَعَا، دَعَوَ؛ مانند «وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ» (روم/۲۵)، «و از نشانه‌های او این است که آسمان و زمین به فرمانش برآیند؛ پس چون شما را با یک بار خواندن فرا خواند، بناگاه [از گورها] خارج می‌شوید» و ۱۰۷ بار مضارع: يَدْعُو، تَدْعُو، نَدْعُو، يَدْعُ، تَدْعُ، اَدْعُو؛ مانند «يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُ وَ مَا لَا يَنْفَعُهُ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ» (حج/۱۲)، «به جای خدا چیزی را می‌خواند که نه زیانی به او می‌رساند و نه سودش می‌دهد. این است همان گمراهی دور و دراز». و ۳۴ بار به صورت امر: اَدْعُ، فْلْيَدْعُ، وْلْيَدْعُ؛ مثل: «قَالُوا اذْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقْرَ تَشَابَهَ عَلَيْنَا وَ إِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ» (بقره/۷۰)، «گفتند: «از پروردگارت بخواه، تا بر ما روشن گرداند که آن چگونه [گاو] باشد؟ زیرا [چگونگی] این ماده گاو بر ما مشتبه شده، ولی با توضیحات بیشتر تو [ما ان شاء الله حتماً هدایت خواهیم شد. آمده است.

به طور کلی می‌توان گفت که معنای اصلی واژه دعا (توجه کردن داعی به مدعو) است و وجوه مختلف معنایی دعا، به گونه‌ای به معنای اصلی این کلمه برمی‌گردد؛ چرا که هنگام دعوت کردن و کمک‌خواستن از کسی، باید توجه و نظر او را به خود جلب کرد تا از این طریق نیاز خود را با او در میان گذاشت. در تأیید این سخن علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌گوید: «دعا به معنای توجه کردن داعی به مدعو برای جلب منفعت یا دفع ضرر است، از این رو «درخواست کردن» معنای دعا نیست بلکه هدف دعا می‌باشد.» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۱/۲)

۵. تبارشناسی واژه دعا در دوره جاهلی

برای معنانشناسی اولیه واژه که همان معنای مصطلح و رایج در پیش از اسلام است، علاوه بر بررسی اشتقاقی واژه و کسب معنای اصلی آن، نیاز به آشنایی با فرهنگ بومی و قومی به کار گیرنده واژه و جهان‌بینی او در پیش از استعمال قرآن وجود دارد تا با مقایسه میان فرهنگ جاهلی و فرهنگ قرآنی، بتوان به منشأ اندیشه‌های جدید و تغییر شکل اندیشه‌های کهن در جزیره العرب در دوره جاهلیت و عصر آغازین اسلامی آگاه شد و فهمید که چگونه و چقدر تاریخ در اندیشه و زندگی قومی اثر می‌گذارد و آن را متحول می‌سازد و چقدر شرایط محیط، گوینده و جهان‌بینی او در معنانشناسی دخیل است؛ لذا برای فهم دقیق معنای یک واژه علاوه بر بررسی لغوی واژه با استفاده از منابع لغت‌شناسی، رجوع به کتب نظم و نثر عصر جاهلی امری اجتناب‌ناپذیر است. در این باره از ابن عباس نقل شده: «الشعر دیوان العرب، فإذا خفی علينا الحرف من القرآن الذي انزل الله بلغة العرب

رجعنا الی دیوانه» (سیوطی، ۱۳۲۵: ۴۰۲-۴۰۳) او خود بسیاری از الفاظ قرآن را با استناد به اشعار و تکلم اهل بادیه که زبانشان خالص و دست‌نخورده بود، معنا می‌کرد.

در کتاب الملل و النحل شهرستانی که به بررسی ادیان، مذاهب، رأی‌ها و نام‌های طوایف عرب جاهلی پرداخته، واژه دعا به همان معنایی می‌باشد که در اسلام به کار رفته است؛ مثلاً در بخشی از معرفی یهود، آرا و فرقه‌های آن چنین آمده: «کتابشان تورات نام دارد. در سراسر این کتاب نشانه‌هایی است که بر حقانیت شریعت مصطفی ﷺ و صادق بودن صاحب شریعت دلالت می‌کند.» در ادامه می‌گوید: «و اظهارها ذکره ابراهیم عليه السلام و ابنه اسماعیل و دعاؤه فی حقه» (شهرستانی، بی‌تا: ۲۳۳-۲۳۴)، «آشکارترین این دلایل و نشانه‌ها از حضرت ابراهیم و پسرش اسماعیل عليه السلام و دعای ابراهیم درباره اسماعیل و ذریه او است که حق تعالی دعای او را اجابت کرد؛ پس می‌بینیم که واژه دعا در اقوام و ادیان قبل از اسلام از جمله یهود، به همان معنای واژه دعا در اسلام است. هم‌چنین فرقه عنانیه^۱ (یکی از فرقه‌های یهود) معتقد بودند که حضرت عیسی عليه السلام با تورات مخالفت نمی‌کرده است و «دَعَا النَّاسَ إِلَيْهَا» (همان، ۲۳۸)، «مردم را به سوی تورات دعوت می‌کرده است.»

در بررسی معلقات هفت‌گانه^۲ نیز، واژه دعا به همان معنای اصلی توجه کردن داعی به مدعو آمده است. چنانچه در بیتی از قصیده لبیدن ربیع، (معلقه چهارم) آمده است: «وَجَزُورٌ أَيْسَارٍ دَعَوْتُ لِحَتْفِهَا / بِمَعَالِقِ مُتَشَابِهٍ أَجْسَامُهَا»، «چه بسا به یاران خود دستور دهم و از آن‌ها بخواهم که شترانی از مال خود را (نه از آن‌ها که در قمار برده‌ام) با نیزه‌هایی شبیه به هم نحر کنند.» (آیتی، ۱۳۷۸: ۸۴) در این بیت، ماده دعا به معنای دستور و طلب خواستن چیزی است. هم‌چنین در بیتی از قصیده حارث بن حلزه، (معلقه هفتم) آمده است: «لَمْ يُحْلُوا بَيْتِي رِزَاحٍ بَرَقًا / نِطَاعٍ لَهُمْ عَلَيْهِمْ دُعَاءٌ»، «قوم بنی رزاح در برقاء تجاوز نکردند، پس آنان را بر ما ادعایی نیست.» در این بیت هم، ماده دعا به معنای ادعا آمده است. (همان، ۱۴۴)

بنابراین با بررسی فرهنگ و دوره اشعار جاهلی به این نتیجه می‌رسیم که واژه دعا در میان اعراب قبل از اسلام، کاربرد داشته و مفهوم آن با معنای اصلی دعا که توجه کردن داعی به مدعو است، هماهنگی دارد.

۶. شبکه معنایی واژه دعا

بعد از این که معنای اصلی دعا را به دست آوردیم، گام دوم در معناشناسی دعا، شناخت و بررسی شبکه معنایی این واژه است. مهم‌ترین مصادیق آن از این قرار می‌باشد:

۱. واژه‌های هم‌معنا (مترادف)؛
۲. واژه‌های متضاد؛
۳. واژه‌های ملازم.

این نکته قابل ذکر است که دعا دارای وجوه معنایی مختلف می‌باشد که تمام آن به معنای اصلی (توجه داعی به مدعو) برمی‌گردد؛ به عبارت دیگر معانی ندا، عبادت، دعوت، ادعا و کمک‌خواستن از اهداف معنای اصلی شمرده می‌شوند که در قرآن کریم، به تمامی این وجوه اشاره شده است؛ به طور مثال، در سوره بقره آیه ۱۷۱ به معنای ندا آمده: «وَ مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعُقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءٌ وَ نِدَاءٌ»، «و مثل کافران در شنیدن سخن انبیاء و درک نکردن معنای آن، چون حیوانی است که آوازش کنند و او از آن آواز معنایی درک نکرده و جز صدایی نشنود.» یا در سوره جن آیه ۱۸ به معنای عبادت: «أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»، «مساجد ویژه خداست، پس هیچ کس را با خدا مپرستید.» و یا در سوره اعراف آیه ۵ به معنای ادعا آمده است: «فَمَا كَانَ دَعْوَاهُمْ إِذْ جَاءَهُمْ بِأُسْنًا إِلَّا أَنْ قَالُوا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ»، «آن دم که با عذاب ما روبرو شدند ادعایشان جز این نبود که می‌گفتند: ما ستمگر بوده‌ایم.»، هم‌چنین در بسیاری از آیات، دعا به معنای دعوت و صرف خواندن به کار رفته مثل آیه ۱۲۵ سوره نحل: «أُدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ»، «مردم را با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن.» و یا آیه ۲۵ سوره یونس: «وَ اللَّهُ يَدْعُوا إِلَى دَارِ السَّلَامِ»، «و خدا مردم را به سرای سلامت و امنیت که بهشت عنبر سرشت است، دعوت می‌کند.» و در بسیاری از آیات دیگر، به معنای استمداد و درخواست از خداوند (خواندن همراه با درخواست) آمده، مانند آیه ۶۰ سوره غافر: «أُدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»، «مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم.» در این پژوهش از وجوه یاد شده، وجه معنایی اخیر، یعنی استمداد و درخواست از خداوند (خواندن همراه با درخواست) در قرآن و اکاوی و شبکه معنانشناسی آن تبیین می‌شود و دیگر وجوه معنایی دعا از پژوهش حاضر بیرون است. بنابراین با توجه به این وجه معنایی، شبکه معنایی دعا را در این بخش دنبال می‌نماییم.

۶-۱. واژگان هم‌معنا (مترادف)

در معنانشناسی مفاهیم قرآنی، در گام نخست به درک معنای اصلی واژه پرداخته شد. در گام بعدی به بررسی متن قرآن به منظور تشکیل شبکه معنایی بر اساس دانش معنانشناسی پرداخته می‌شود. به این صورت که در ابتدا اگر واژه مرتبط با مفهوم قرآنی که در صدد معنانشناسی آن هستیم، مشترک لفظی و دارای معانی متعدد باشد، لازم است از میان معانی متعدد واژه، معنای به کار گرفته شده در قرآن را تعیین کنیم، سپس واژه‌های مترادف با معنای مورد نظر در متن قرآن را شناسایی نماییم؛ بنابراین نخستین شبکه معنایی، شبکه معنایی واژه‌های مترادف است.

مقصود از واژه‌های مترادف، ترادف نسبی یا شبه ترادف است؛ از این رو ممکن است واژه‌ای عام و واژه دیگر خاص باشد، ولی مترادف باشند یا ممکن است واژه‌ای از نظر لغت با واژه دیگر مترادف نباشد، ولی سیاق و بفت عبارت، معنایی به واژه می‌بخشد که آن را با واژه دیگر مترادف می‌کند. (صفوی، ۱۳۸۷: ۱۰۶-۱۱۰) در ادامه، به

تیین واژه‌هایی که با مفهوم دعا در قرآن مترادف نسبی دارند، می‌پردازیم. ملاک در گزینش این واژه‌ها بر اساس روش استقرایی و نزدیکی معنای آن‌ها به معنای اصلی دعا (توجه کردن داعی به مدعو) است.

۱-۱-۶. ریشه (ط ل ب)

طلب به معنای جستجو از وجود چیزی به قصد رسیدن به آن می‌باشد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۵۲) اگر طلب در ارتباط با معبود مطرح باشد، همان مفهوم دعا را در بر خواهد داشت؛ چون دعا نیز طلب چیزی است به قصد جلب توجه او است، بنابراین وقتی هر دو واژه در ارتباط با خدا به کار روند، مترادف می‌باشند. پس طالب همان داعی و عابد است و مطلوب همان مدعو و معبود. چنان‌که در این آیه، طلب به معنای دعا و عبادت آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضَرْبٌ مَثَلٌ فَاسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَ لَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَ إِنْ يَسْأَلُهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَفِيدُوهُ مِنْهُ ضَعْفَ الطَّالِبِ وَ الْمَطْلُوبِ» (حج/۷۳)، «ای مردم، مثلی زده شد. پس بدان گوش فرا دهید: کسانی را که جز خدا می‌خوانید هرگز [حتی] مگسی نمی‌آفرینند، هر چند برای [آفریدن] آن اجتماع کنند، و اگر آن مگس چیزی از آنان برباید نمی‌تواند آن را بازپس گیرند. طالب و مطلوب هر دو ناتوانند.»

۲-۱-۶. ریشه (س ل)

سؤال به معنای درخواست امر از دیگری است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۳۷) وقتی سؤال در ارتباط با خدا مطرح باشد، نوعی دعا است، یعنی داعی با دعای خود نظر مدعو را به خود جلب کرده تا خواسته خود را بیان کند، بنابراین سؤال می‌تواند به عنوان نتیجه دعا به شمار آید؛ یعنی درخواست حاجت جز، معنای دعا نیست، بلکه می‌تواند غایت و متمم آن محسوب شود. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲/۲۰۹) همان‌طور که مشاهده می‌گردد در قرآن مجید بعد از ذکر حاجت‌هایی که حضرت موسی عليه السلام از خدا داشت، خداوند برای خبر از اجابت دعا‌های ایشان واژه سؤال را جانشین دعا کرده است: «قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَى» (طه/۳۶)، «فرمود: «ای موسی، خواسته‌ات به تو داده شد.»

۳-۱-۶. ریشه (ن د ی)

اصل معنای واژه ندا، بلندشدن صدا و ظهور آن است. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۷۷/۸) وقتی این واژه در ارتباط با خدا مطرح می‌شود و بنده‌ای با خدای خود ندا سر می‌دهد، بیانگر حالتی در بنده است که او را به سوی خدا سوق می‌دهد و حالت درونی او که همان دعا و طلب است، به صورت صوت در اثر اندوه شدید ناشی از هلاکت آشکار می‌شود. همان‌طور که حضرت نوح عليه السلام در اثر اندوه شدید ناشی از هلاکت فرزندش، برای نجات او که تصور می‌کرد از اهلش محسوب می‌شود، ندا سر داد: «وَ نَادَى رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي» (هود/۴۵)، «و نوح پروردگار خود را آواز داد و گفت: «پروردگارا، پسر من از کسان من است.»»

از آن جا که ندا در ارتباط با خدا، ناشی از حالت درونی طلب حقیقی است، لذا خداوند مانند کسی که دعای حقیقی کند، او را اجابت می‌کند: «و نوحاً إِذْ نَادَى مِنْ قَبْلٍ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَ أَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ» (انبیاء / ۷۶)، «و نوح را [یاد کن] آنگاه که پیش از [سایر پیامبران] ندا کرد، پس ما او را اجابت کردیم، و وی را با خانواده‌اش از بلای بزرگ رهانیدیم.»

۶-۱-۴. ریشه (غ و ث)

یکی از واژه‌هایی که در شبکه معنایی دعا قرار می‌گیرد، استغاثه است. استغاثه، به معنای طلب نصرت و یاری و تحت حمایت قرارگرفتن هنگام سختی و شدت می‌باشد. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۱۵۵۰)

در قرآن اشاره شده، خداوند کسی را که به درگاه او استغاثه داشته باشد، اجابت می‌کند: (إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ) (انفال / ۹)، «[به یاد آورید] زمانی را که پروردگار خود را به فریاد می‌طلبیدید، پس دعای شما را اجابت کرد.» یعنی کسی که به درگاه خدا استغاثه حقیقی داشته باشد، چون داعی واقعی است، طبق وعده خداوند شایسته اجابت خواهد بود: (أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ) (غافر / ۶۰)، «بخوانید تا شما را اجابت کنم.» به همین دلیل است که خداوند در دعاها، غیث المستغیثین خوانده شده است. بنابراین یکی از کلماتی که در محور جانشینی دعا قرار گرفته، استغاثه است.

۶-۱-۵. ریشه (ب ه ل)

واژه دیگری که در قرآن جانشین دعا شده است، ابتهال می‌باشد. ابتهال در لغت به معنای رها بودن و تحت نظر نبودن و متروک شدن است. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۳۳/۱)

ابتهال در دعا، به معنای استرسال (رهاشدن از تعلقات)، تضرع و زاری و مبالغه در آن است. این واژه زمانی به کار می‌رود که دعا با کوشش، تلاش و اخلاص همراه باشد. امام صادق علیه السلام نیز در تفسیر واژه نَبْتِهَل در آیه ۶۱ سوره آل عمران: «فَمَنْ حَاجَكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنفُسَنَا وَ أَنفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتِهَلْ فَتَجْعَلْ لِعَنَّتِ اللَّهُ عَلَى الْكَافِرِينَ»، «پس هر که در این [باره] پس از دانشی که تو را [حاصل] آمده، با تو محاجه کند، بگو: «بیایید پسرانمان و پسرانتان، و زنانمان و زنانتان، و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیک خود را فرا خوانیم؛ سپس مباحله کنیم، و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.»

فرموده ابتهال در دعا، بازکردن دست‌ها و بالا بردن آن به سوی آسمان است. (حویزی، ۱۴۱۵ق: ۱/۱۶۹) و در روایتی دیگر گفته‌اند: ابتهال زمانی است که موجبات گریه فراهم شده باشد. (کلینی، ۱۳۶۳: ۲/۴۸۰) پس مبتهل همان داعی است. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۱/۳۱۱)

۶-۱-۶. ریشه (ع ب د)

در برخی آیات عبادت، جانشین دعا شده است: (وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ) (قصص / ۸۸)، «و با خدا معبودی دیگر مخوان. خدایی جز او نیست. جز ذات او همه چیز نابودشونده است. فرمان از آن اوست. و به سوی او بازگردانیده می‌شوید.» (وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ) (غافر / ۶۰)، «و پروردگارتان فرمود: «مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم. در حقیقت، کسانی که از پرستش من کبر می‌ورزند به زودی خوار در دوزخ درمی‌آیند.»

عبادت در کتب لغت نیز به معنای غایت تذلل و خواری نشان دادن می‌باشد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق:

۵۴۲)

بنابراین، داعی همان عابد و مدعو همان معبود است پس عبادت هم مترادف نسبی دعا قرار می‌گیرد از این جهت که بنده با ذلت و خواری در پیشگاه خداوند حاضر می‌شود و از او طلب می‌کند.

۶-۲. واژه‌ها و ترکیب‌های متضاد

یکی دیگر از راه‌های جستجو در شبکه معنایی، معناشناسی واژه‌های متضاد است. برای آن‌که از مفهوم قرآنی دعا فهمی دقیق‌تر داشته باشیم، لازم است واژه‌های متضاد آن را شناسایی و شبکه معنایی واژه‌های متضاد را تشکیل دهیم. تضاد عبارت از دو لفظی است که هم در تلفظ اختلاف دارد، و هم در معنی، مانند طویل در برابر قصیر و جمیل در برابر قبیح. مقصود از واژه‌ها و عبارت‌های متضاد در این‌جا، تضاد صد درصدی و همه جانبه و از همه جهات نیست، بلکه شامل تضاد از برخی جهات و جوانب نیز می‌گردد؛ پس اگر دو معنی تنها در برخی از مصادیق قابل جمع نباشند، در شبکه معناشناسی تضاد داخل می‌باشند. (صفوی، ۱۳۸۰: ۱۱۷) اکنون با توجه به معنای اصلی دعا، به بررسی شبکه معنایی واژه‌های متضاد نسبی دعا می‌پردازیم.

۶-۲-۱. واژه‌های استنکاف و استکبار^۳

(النکف) و (الاستنکاف) هر دو به معنای (أنف) است، یعنی امتناع و منقبض شدن از چیزی از روی حمیت و تعصب. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۳۸۳/۵) امام صادق علیه السلام در تبیین جنود عقل و جهل می‌فرماید: «الدُّعَاءُ وَضِدُّهُ الْإِسْتِنكَافُ» (کلینی، ۱۳۶۳: ۲۳/۱) دعا و ضد آن خودداری است.

به گفته فرهنگ‌نویسان زبان عرب، (کبر) به معنای عظمت و بزرگی قدر است (جوهری، ۱۴۰۷ق: ۸۰۱/۲) و به گفته برخی از آنان ریشه کبر خلاف صغر و کوچکی است. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۱۵۳/۵) این دو واژه با عبادت‌کردن خدا که یکی از واژه‌های مترادف دعا است، تضاد دارد. فراهیبی از قرآن نیز بر این تضاد دلالت

دارند، از جمله: «لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَ لَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَ مَنْ يَسْتَنْكِفُ عَنْ عِبَادَتِهِ وَ يَسْتَكْبِرُ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا» (نساء / ۱۷۲)، «مسیح از اینکه بنده خدا باشد هرگز ابا نمی‌ورزد، و فرشتگان مقرب [نیز ابا ندارند]؛ و هر کس از پرستش او امتناع ورزد و بزرگی فروشد، به زودی همه آنان را به سوی خود گرد می‌آورد.»

۶-۲-۲. واژه (ترکیب) لَا تَسْأَلْ

از آن‌جا که سؤال و درخواست، نوعی دعا می‌باشد که در واژه‌های مترادف به آن اشاره شد، یکی از واژه‌های (ترکیب‌های) قرآنی که می‌تواند در گروه واژه‌های متضاد نسبی دعا قرار بگیرد، واژه لَا تَسْأَلْ است که به معنای عدم درخواست و تقاضا می‌باشد. این واژه در چندین جا از قرآن ذکر شده است، مانند: «قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلِنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّيْ أَعْطَاكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ» (هود / ۴۶)، «فرمود: «ای نوح، او در حقیقت از کسان تو نیست، او [دارای] کرداری ناشایسته است. پس چیزی را که بدان علم نداری از من نخواه. من به تو اندرز می‌دهم که مبادا از نادانان باشی.»»

۶-۲-۳. واژه (ترکیب) لَا تَعْبُدْ

چون عبادت از واژه‌های مترادف دعا به شمار می‌آید، یکی از واژه‌های (ترکیب‌های) قرآنی که می‌تواند در گروه واژه‌های متضاد نسبی دعا قرار بگیرد، واژه لَا تَعْبُدْ به معنای عدم عبادت و عدم پرستش است. این واژه در شماری از آیات قرآن آورده شده، از جمله: «يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا» (مریم / ۴۴)، «پدر جان، شیطان را مپرست، که شیطان [خدای] رحمان را عصیانگر است.»

۶-۲-۴. واژه (ترکیب) لَا تَدْعُ

یکی دیگر از واژه‌های قرآنی که می‌تواند در گروه واژه‌های متضاد نسبی دعا قرار بگیرد، واژه (ترکیب) لَا تَدْعُ است. این واژه نیز در مقابل دعا قرار می‌گیرد که در جایگاه‌های مختلف قرآن از آن یاد شده است، مثل: «لَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ» (شعرا / ۲۱۳)، «پس با خدا، خدای دیگر مخوان که از عذاب‌شدگان خواهی شد.»

۶-۳. واژه‌ها و ترکیب‌های ملازم

در این قسمت به بررسی واژه‌های ملازم دعا در قرآن می‌پردازیم. مقصود از واژه‌های ملازم، واژه‌ها و مفاهیمی است که شرط لازم و جدایی‌ناپذیر شی، هستند، مثل زوجیت برای عدد ۲ و یا تاریکی برای شب. ملازمه بر دو گونه است: ملازمه یک‌طرفه و دوطرفه، ملازمه دوطرفه در دعا به این معنی است که چیزی یا

امری لازمه دعا و دعا نیز لازمه آن چیز است. در ملازمه یک طرفه که به این ارتباط دوطرفی نیازمند نیستیم. (صفوی، ۱۳۸۶: ۱۵۲-۱۵۳) واژه‌های ملازم دعا در قرآن بر اساس روش استقرایی و با توجه به معنای اصلی دعا از این قرار می‌باشند:

۱-۳-۶. الله

از آن جا که در قرآن از خداوند طلب و درخواست می‌شود و بدون خدای شکیلی شکل نمی‌گیرد؛ لذا الله از واژه‌های ملازم دعا می‌باشد.

۲-۳-۶. تضرع

تضرع از ریشه ضرع به معنای فروتنی کردن، خوار و ذلیل شدن و خود را در معرض طلب قرار دادن است. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۲۶۹/۱) انسان در ارتباط با خدا، از یک سو عظمت معبود و از سوی دیگر پستی، ذلت و فقر خود را می‌یابد؛ بنابراین دلش در برابر خدا نرم شده، احساس فروتنی و کوچکی می‌کند و از او درخواست یاری می‌نماید. تضرع از واژه‌های ملازم دوطرفی می‌باشد؛ زیرا از طرفی دعا باید همراه با تضرع و خواری باشد و از طرف دیگر در تضرع و خواری، نوعی درخواست از خدا وجود دارد. در دو آیه قرآن تضرع با دعا هم‌نشین شده است و خداوند دستور داده که با حالت تضرع، عبادت و دعا کنید: «أَدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَ خُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (اعراف/۵۵)، «پروردگار خود را به زاری و نهانی بخوانید که او از حدگذرندگان را دوست نمی‌دارد.» و «تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَ خُفْيَةً» (أنعام/۶۳)، «در حالی که او را به زاری و در نهان می‌خوانید.»

۳-۳-۶. حمد

حمد به معنای مدح، تعریف و ادای حق است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲۵) این واژه با دعا ارتباط معنایی دارد و بین این دو، ملازمه یک طرفه برقرار است؛ چراکه لازمه دعا، حمد و ثنای الهی است. امام صادق علیه السلام در حدیثی فرموده‌اند: «مبادا هیچ یک از شما از خدا تقاضایی کند مگر این که نخست حمد و ثنای او را بجا آورد و درود بر پیامبر و آل او بفرستد، بعد به گناه خود نزد او اعتراف و توبه کند، سپس دعا نماید.» (قمی، ۱۴۱۴ق: ۴۴۸/۱-۴۴۹)

۴-۳-۶. سؤال العبد

یکی دیگر از واژه‌های (ترکیب‌های) ملازم دعا که با دعا ارتباط معنایی دارد، خواندن مدعو (خداوند) می‌باشد. این واژه با دعا تلازم دوطرفه دارد؛ زیرا از یک سو در دعا و درخواست، خواندن نهفته است و از سوی دیگر در خواندن خدا نیز نوعی درخواست و استمداد وجود دارد. شاهد قرآنی آن آیه شریفه: «وَ إِذَا سَأَلَكَ

عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ يُؤْمِنُوا بِى لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» (بقره/۱۸۶)، «و هرگاه بندگان من، از تو در باره من بپرسند، [بگو] من نزدیکم، و دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا بخواند- اجابت می‌کنم، پس [آنان] باید فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان آورند، باشد که راه یابند.» می‌باشد.

۶-۳-۵. اخلاص

اخلاص از ریشهٔ خلص به معنای صاف و بی‌خلط‌شدن است. (قرشی، ۱۳۸۶: ۲۷۹/۲) راغب می‌گوید: خلص مثل صاف است؛ با این فرق که در خلص آمیختگی بوده و از بین رفته است، ولی صاف گاهی به آن گویند که اصلاً آمیختگی ندارد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲۹۲) این واژه نیز از واژه‌هایی است که در شبکهٔ معنایی دعا قرار دارد و دارای تلازم یک‌طرفه می‌باشد؛ چون که از شرایط اجابت دعا اخلاص است و دعا باید همراه با اخلاص باشد، یعنی انسان تنها از خداوند درخواست کند. خدا وقتی دعا را مستجاب می‌نماید که داعی به راستی او را بخواند، نه این‌که در دعا رو به خدا کند و دل به اسباب ظاهری داشته و این زمانی انجام می‌گیرد که امید داعی از همهٔ اسباب ظاهری قطع شده باشد، یعنی بداند که دیگر هیچ‌کس و هیچ‌چیز نمی‌تواند گره از کارش بگشاید، آن وقت است که دست و دلش متوجه خدا می‌شود و در غیر این صورت همان طور که گفتیم، غیر خدا را می‌خواند. پس اگر دعا صادق بود؛ یعنی خوانده شده فقط خدا بود و بس، در چنین صورتی خدا اجابتش می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۴۵/۱۵)

در چندین جا از قرآن، اخلاص با دعا همنشین شده است، مانند: «فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (غافر/۱۴)، «پس خدا را پاکدلانه فرا خوانید، هر چند ناباوران را ناخوش افتد.»

۶-۳-۶. اضطرار

اضطرار نیز در شبکهٔ معنایی دعا قرار دارد و بین این واژه با دعا تلازم یک‌طرفه برقرار است؛ پس از شرایط اجابت دعا اضطرار است و خیلی از مواقع نیاز و درخواست انسان، باید به حد اضطرار برسد تا مستجاب شود. در این آیه دعا با اضطرار همنشین شده است: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَا وَ يَكْشِفُ السُّوءَ» (نمل/۶۲)، «یا [کیست] آن کس که درمانده را -چون وی را بخواند- اجابت می‌کند، و گرفتاری را برطرف می‌گرداند.» علامه طباطبایی در ذیل این آیه می‌گوید:

«مراد از اجابت مضطر وقتی که او را بخواند، این است که خدا دعای دعاکنندگان را مستجاب و حوایجشان را بر می‌آورد، و اگر قید اضطرار را در بین آورد برای این است که در حال اضطرار دعای داعی از حقیقت برخوردار است و دیگر گزاف و بیهوده نیست؛ چون تا آدمی بیچاره و درمانده نشود، دعاهایش آن واقعیت و حقیقت را که در حال اضطرار واجد است، ندارد و این خیلی روشن است. قید دیگری برای دعا آورده و آن این

است که فرموده: (اذا دعاه) وقتی او را بخواند، و این برای آن است که بفهماند خدا وقتی دعا را مستجاب می‌کند که داعی به راستی او را بخواند، نه این‌که در دعا رو به خدا کند و دل به اسباب ظاهری داشته باشد و این وقتی صورت می‌گیرد که امید داعی از همه اسباب ظاهری قطع شده باشد، یعنی بداند که دیگر هیچ‌کس و هیچ‌چیز نمی‌تواند گره از کارش بگشاید، آن وقت است که دست و دلش متوجه خدا می‌شود و در غیر این صورت همان طور که گفتیم، غیر خدا را می‌خواند. پس اگر دعا صادق بود؛ یعنی خوانده‌شده فقط خدا بود و بس، در چنین صورتی خدا اجابتش می‌کند و گرفتاریش را که او را مضطر کرده، بر طرف می‌سازد. (همان)

۶-۳-۷. خوف و رجاء

از دیگر واژه‌های ملازم دعا که با دعا ارتباط معنایی داشته و تلازم یک‌طرفه دارد، این است که درخواست از خدا همراه با ترس و امید به او باشد. در دو جا از قرآن به این مطلب اشاره شده است: «فَأَسْتَجِبْنَا لَهُ وَ وَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَ أَوْلَدْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ يَدْعُونَآ رَعْبًا وَ رَهْبًا وَ كَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ» (انبیاء/۹۰)، «پس [دعا] او را اجابت نمودیم، و یحیی را بدو بخشیدیم و همسرش را برای او شایسته [و آماده حمل] کردیم، زیرا آنان در کارهای نیک شتاب می‌نمودند و ما را از روی رغبت و بیم می‌خواندند و در برابر ما فروتن بودند.» و آیه شریفه «وَ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَ اذْعُوهُ خَوْفًا وَ طَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ» (اعراف/۵۶)، «و در زمین پس از اصلاح آن فساد مکنید، و با بیم و امید او را بخوانید که رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است.» بنابراین از همنشینی ترس و امید با دعا، می‌توان نتیجه گرفت که باید دعا همراه با ترس و امید باشد تا به اجابت کامل برسد.

۶-۳-۸. منع الاستنکاف

یکی دیگر از واژه‌ها (و ترکیب‌های) ملازم دعا که با دعا ارتباط معنایی و تلازم یک‌طرفه دارد، امتناع نورزیدن و ابانکردن از عبادت می‌باشد. استنکاف از عبادت، موجب عدم درخواست از خداوند می‌باشد. آیه شریفه «لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَ لَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَ مَنْ يَسْتَنْكِفْ عَن عِبَادَتِهِ وَ يَسْتَكْبِرْ فَسَيُخْشِرُهُمُ إِلَيْهِ جَمِيعًا» (نساء/۱۱۷۲)، «مسیح از اینکه بنده خدا باشد هرگز ابا نمی‌ورزد، و فرشتگان مقرب [نیز ابا ندارند]؛ و هر کس از پرستش او امتناع ورزد و بزرگی فروشد، به زودی همه آنان را به سوی خود گرد می‌آورد.» با استفاده از رابطه جانشینی (جانشینی واژه عبادت به جای دعا) بر این امر دلالت دارد.

۶-۳-۹. منع الاستكبار والبعد عن العبادَة

از دیگر ترکیب‌های ملازم دعا که با دعا ارتباط معنایی و تلازم یک‌طرفه دارد، استکبارنورزیدن و دوری نکردن از عبادت می‌باشد. آیه شریفه «وَ قَالَ رَبُّكُمْ اذْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَن عِبَادَتِي

سَيَذْخُلُونَ جَهَنَّمَ ذَاخِرِينَ» (غافر/ ۶۰)، «و پروردگارتان فرمود: «مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم. در حقیقت، کسانی که از پرستش من کبر می‌ورزند به زودی خوار در دوزخ درمی‌آیند.» با استفاده از رابطه جانشینی بر این امر دلالت دارد.

۱۰-۳-۶. توحید

از دیگر واژه‌های ملازم دعا که با دعا ارتباط معنایی و تلازم یک‌طرفه دارد، توحید و عدم شرک به خداوند است. که آیه شریفه «وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» (بقره/ ۱۸۶)، «و هرگاه بندگان من، از تو در باره من بپرسند، [بگو] من نزدیکم، و دعای دعاکننده را -به هنگامی که مرا بخواند- اجابت می‌کنم، پس [آنان] باید فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان آورند، باشد که راه یابند.» بر اساس رابطه همنشینی بر این امر دلالت دارد؛ به این صورت که خداوند در این آیه برای دلالت بر (ذات) خود، هفت مرتبه از صیغه مفرد استفاده کرده است و همین مهم دلالت بر توحید دارد؛ بنابراین یکی از شرایط دعا و استجابات کامل دعا، توحید و شریک قرارندادن برای خداوند می‌باشد.

۱۱-۳-۶. خشوع

خشوع و تواضع در برابر خدا نیز از دیگر واژه‌های ملازم دعا است که با آن ارتباط معنایی و تلازم یک‌طرفه دارد. شخص داعی باید هنگام درخواست با خشوع و تواضع باشد که آیات شریفه «وَ زَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَ أَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَ وَهَبْنَا لَهُ يَحْيَى وَ أَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ يَدْعُونَنَا رَغَبًا وَ رَهَبًا وَ كَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ» (انبیاء/ ۸۹-۹۰)، «و زکریا را [یاد کن] هنگامی که پروردگار خود را خواند: «پروردگارا، مرا تنها مگذار و تو بهترین ارث برندگان، پس [دعای] او را اجابت نمودیم، و یحیی را بدو بخشیدیم و همسرش را برای او شایسته [و آماده حمل] کردیم، زیرا آنان در کارهای نیک شتاب می‌نمودند و ما را از روی رغبت و بیم می‌خواندند و در برابر ما فروتن بودند.» با استفاده از رابطه همنشینی بر این مهم دلالت دارد.

۱۲-۳-۶. ایمان و عمل صالح

یکی دیگر از واژه‌ها و ترکیب‌های ملازم دعا که با دعا ارتباط معنایی و تلازم یک‌طرفه دارد، ایمان به خدا و عمل صالح می‌باشد؛ یعنی دعای کامل از دیدگاه قرآن داعی است که داعی در آن ایمان به مدعو داشته و در کنار ایمان عمل صالح نیز همراه باشد؛ از همین رو آیات: «وَ ذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَ نَجَّيْنَاهُ مِنَ الغَمِّ وَ كَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ» (انبیاء/ ۸۷-۸۸)، «و ذوالنون» را [یاد کن] آنگاه که خشمگین رفت و پنداشت که ما هرگز بر او قدرتی نداریم، تا در [دل] تاریکیها ندا درداد که: «معبودی جز تو نیست، منزهی تو، راستی که من از

ستمکاران بودم پس [دعای] او را برآورده کردیم و او را از اندوه رهانیدیم، و مؤمنان را [نیز] چنین نجات می‌دهیم.» و «وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِ وَ الْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ» (شوری/ ۲۶)، «و [درخواست] کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند اجابت می‌کند و از فضل خویش به آنان زیاد می‌دهد، و [لی] برای کافران عذاب سختی خواهد بود.» شرط استجاب دعا را ایمان و عمل صالح دانسته و آیه «وَ مَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ» (غافر/ ۵۰)، «و [لی] دعای کافران جز در بیراهه نیست.» بر اساس رابطه همنشینی با ضد ایمان، یعنی کفر که سبب ضلالت و گمراهی می‌شود، بر داشتن ایمان و عمل صالح در دعا دلالت دارند.

نتیجه بررسی‌ها در گام دوم (شبکه معنایی) ما را در معناشناسی دعا در قرآن از محدودنگری و انحصار بحث در مشتقات «دع و» دور می‌کند و به گستردگی بحث در واژه‌های مترادف، متضاد، و ملازم رهنمون و برای گام بعدی (مطالعات متنی) آماده می‌سازد.

۷. مطالعات متنی (سباق و متن)

در این مرحله با به‌کارگیری قرینه سباق، واژه‌هایی که ملازم هستند و پیش از این شناسایی شده‌اند، ارتباط هر یک با مفهوم قرآنی در شبکه معنایی بیان می‌شود. در این‌جا است که واژه‌های کلیدی و کانونی، شناسایی می‌گردند. در این میان، جهان‌بینی و فرهنگ دعا در قرآن که بخشی از معناشناسی واژه است، نیز تبیین می‌شوند. این فرآیند ما را برای دستیابی به مفهوم دقیق‌تر و کامل‌تر معنای نسبی دعا یاری می‌کند. در این میان، بارزترین نقش از آن واژه‌هایی است که در مؤلفه‌های معنایی دعا بیان شد. این واژه‌ها که ماهیت دعا از آن‌ها شکل گرفته است (واژه‌های ملازم)، از دعا جدا ناپذیر هستند و دعا بدون آن‌ها معنا نخواهد داشت. حال با توجه به گذراندن مراحل سه‌گانه، اینک به مطالعات متنی در مراحل زیر می‌پردازیم:

۷-۱. تحلیل معنایی مفهوم دعا در قرآن

معنای اصلی دعا - توجه کردن داعی به مدعو- را در گام یکم بیان کردیم. همین معنای اصلی نیز در قرآن با واژه «دع و» همراه می‌باشد؛ اگرچه معنایی تطور یافته و کامل‌تر یافته است. یکی از برآیندهای شبکه معناشناسی واژه‌های مترادف و متضاد نسبی دعا، شبکه تشکیل واژه‌های ملازم دعا و درخواست از خداوند (در گام سوم) است. برای آن‌که بتوان از واژه‌های ملازم در یک تحلیل معناشناسانه بهره برد، لازم است لوازم دعا را «در قالب مؤلفه‌های معنایی که در علم معناشناسی بیان شده» (صفوی، ۱۳۸۷: ۲۷۸-۲۷۹) تحلیل کرد. واژه‌های ملازم دعا در قرآن که در شبکه معناشناسی واژه‌های ملازم بیان شد، به این ترتیب می‌باشند:

- الله
- تضرع
- حمد
- سؤال العبد
- اخلاص
- اضطرار
- خوف و رجاء
- عدم الاستنکاف
- عدم الاستکبار و البعد عن العبادة
- توحید
- خشوع
- ایمان و عمل صالح

از بین ملازم‌های مذکور واژه‌های الله، تضرع و سؤال العبد تلازم دوسویه دارند؛ بنابراین واژه‌های حمد، اخلاص، اضطرار، خوف و رجاء، استنکاف و عدم الاستکبار والبعد عن العبادة، ایمان و عمل صالح، خشوع و توحید از ملازم‌های یک‌سویه هستند؛ زیرا با انتفای آن‌ها، دعا منتفی نمی‌گردد. از این رو ملازم‌های دعا را می‌توان به تحلیل مؤلفه‌ای و اختصاری چنین بیان کرد: دعا در قرآن: [+الله] [+سؤال العبد] [+تضرع] [+حمد] [+اخلاص] [+اضطرار] [+خوف و رجاء] [-استنکاف] [-استکبار] [+توحید] [+خشوع] [+ایمان و عمل صالح]. از این مؤلفه‌های دوازده‌گانه، ده مؤلفه مثبت و دو مؤلفه منفی وجود دارد؛ یعنی برای تحقق دعای مورد نظر قرآن، بودن ده مؤلفه مثبت و نبود دو مؤلفه منفی لازم است. تحلیل مؤلفه‌ای مذکور ما را از معنای اصلی و اولیه (توجه کردن داعی به مدعو) که همیشه همراه واژه دعا است، به معنای نسبی‌ای که از روش معناشناسانه مورد نظر در این پژوهش به دست آمده است، نزدیک می‌سازد. بر این اساس، معنای نسبی دعا از دیدگاه قرآن، با توجه به همراهی با ملازم‌های دوسویه دعا عبارت از: (الدعا لله مع الذلة والتواضع) است.

۲-۷. واژه‌های کلیدی و کانونی دعا در قرآن

بعضی از واژه‌های اطراف واژه دعا کلیدی هستند. منظور از واژه‌های کلیدی کلماتی است که نقش واقعاً منطقی از ساختن جهان‌بینی تصویری دعا در قرآن را دارند. (ایروتسو، ۱۳۸۸: ۲۲) برخی از این واژه‌ها نقش واژگان کانونی را ایفا می‌نمایند و در ساخت جهان‌بینی دعا، نقششان از واژگان کلیدی با اهمیت‌تر است؛ زیرا

واژگان کلیدی کلماتی مهمی هستند که در اطراف یک واژه گرد می‌آیند؛ ولی واژگان کانونی افزون بر این ویژگی، به عنوان یک کلمه در مرکز عنوان، ایجادکننده وحدت در شبکه زیر مجموعه خود، نیز هستند و نقش متمایزکننده دارند (همان، ۲۸)؛ لذا واژه‌های کانونی نقش محوری و متحدکننده و متمایزکننده را ایفا می‌نمایند. در جهان‌بینی دعا در قرآن، الله، از مهم‌ترین واژه‌هایی است که جهان‌بینی توحیدمحور قرآن را تبیین می‌کند و واژه‌های ایمان، تضرع و خواندن خدا همگی زیر مجموعه آن به شمار می‌آیند. به عبارت دیگر، الله که کانونی‌ترین محور قرآن است منجر به دعا خواهد شد. این جهان‌بینی، دعا و درخواست از خداوند را در واژه‌های رفع رنج و آسیب، رفع غم و اندوه، رفع بیماری، فرزنددارشدن، نجات از خطرات و بلاها، جلب رضایت و عنایت الهی و جلب رحمت و فضل پروردگار جلوه‌گر می‌سازد.

از ویژگی‌های این جهان‌بینی آن است که داعی مورد نظر قرآن، انسانی است که با خواندن خدا و تضرع در برابر او، به استجابت و رستگاری می‌رسد و دعای انسان اگر با حمد الهی و خشوع و ایمان و عمل صالح و اخلاص و اضطراب و ترس و امید همراه باشد، و از استکبار و شرک به خدا دور باشد، به نتیجه کامل خواهد رسید. در میان واژه‌های کلیدی مذکور در اطراف دعا در قرآن، واژه‌های الله، ایمان، تضرع و خواندن خدا از واژگان کانونی می‌باشند که علاوه بر اهمیت و جایگاه خاص به عنوان یک کلمه در مرکز دعا، اصل ایجادکننده وحدت در شبکه زیر مجموعه خود و نقش محوری و متحد و متمایزکننده را نیز دارند.

نتیجه‌گیری

۱. معناشناسی بخشی از زبانشناسی امروزی (زبانشناسی توصیفی و ساخت‌گرا) است. معناشناسی به دنبال مطالعه و بررسی شرایط تولید معنا و دریافت آن نزد خواننده است؛
۲. واژه دعا و مشتقاتش در قرآن کریم، ۱۹۹ مرتبه به کار رفته است؛ که ۳۱ مرتبه به صورت مصدر و اسم، ۱۶۸ مرتبه به صورت فعل ماضی، ۱۰۷ بار مضارع و ۳۴ بار به شکل امر آمده است؛
۳. معنای اصلی واژه دعا (توجه کردن داعی به مدعو) است و وجوه مختلف معنایی دعا، به گونه‌ای به معنای اصلی این کلمه برمی‌گردد؛ چرا که هنگام دعوت کردن و کمک‌خواستن از کسی، باید توجه و نظر او را به خود جلب کرد تا از این طریق نیاز خود را با او در میان گذاشت؛
۴. واژه دعا و واژه‌های مترادف آن مثل طلب، سؤال، ندا به همان معنای اصلی توجه‌کردن به مدعو است و وجوه معنایی مختلفی دارد که وجه معنایی مورد نظر در این پژوهش، درخواست از خداوند می‌باشد؛
۵. در مرحله دوم یعنی شبکه معنایی، که همان بررسی واژه‌های مترادف و متضاد و ملازم‌ها بودند، گسترش شبکه‌ای واژه‌های دعا در قرآن بیان شد؛
۶. در نهایت در پایان به تعریف نسبی دعا و واژه‌های کلیدی و کانونی و جهان‌بینی توحید محور در قرآن دست یافتیم. در جهان‌بینی دعا در قرآن، واژه الله از مهم‌ترین واژه‌هایی است که جهان‌بینی توحید محور قرآن را بیان می‌کند. به عبارت دیگر الله که کانونی‌ترین محور قرآن است که منجر به دعا و توجه می‌شود؛
۷. برآیند تحلیل معنایی مفهوم دعا در قرآن و بیان شبکه معنایی دعا، ما را در رسیدن به معنای دقیق نسبی دعا در قرآن یاری می‌دهد؛ به عبارت دیگر مطالعات متنی، به کمک شبکه معنایی بر اساس یک فرآیند معناشناسانه ما را از معنای اصلی دعا به معنای دقیق و نسبی دعا در قرآن می‌رساند. درک دقیق معنای نسبی دعا، همان معناشناسی دعا است که هدف اصلی این پژوهش می‌باشد.

پی نوشت‌ها

۱. از یاران عنان بن داود بوده‌اند. (نورانی اردبیلی، ۱۳۸۶: ۳۹۴)
۲. معلقات، قدیمی‌ترین و مشهورترین اشعار عربی است که راویان و محققان بر چند قصیده ممتاز دوره جاهلی اطلاق کرده‌اند و در تسمیه و شماره اصحاب و روایت این قصائد اختلاف است. (افرام بستانی، ۱۹۹۴: ۲۵)
۳. علامه طباطبایی نیز، در تفسیر آیه ۱۷۲ سوره نساء که استکبار بعد از استنکاف ذکر شده است، استکبار را مقیدکننده استنکاف دانسته و چنین می‌گوید: «استنکاف به تنهایی باعث سخط الهی نمی‌شود، زیرا استنکاف دو جور ممکن است باشد، یکی از نادانی و استضعاف و دیگری از استکبار، آن استنکافی باعث خشم و غضب الهی می‌شود که از باب استکبار باشد.» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۴۷/۵)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

۱. آیتی، عبدالمحمد (۱۳۷۸)، ترجمه معلقات سبع، چاپ اول، ارومیه: نشر حسینی ارومیه.
۲. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتبه الاعلام الاسلامی.
۳. افرام بستانی، فؤاد (۱۹۴۹) الروائع، الطبعة الثالثة، بیروت: منشورات الأدب الشرقيّة.
۴. ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۸۸)، خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، چاپ سوم، تهران: نشر اسلامی.
۵. پالمر، فرانک (۱۳۷۴)، نگاهی تازه به معنی شناسی، ترجمه کوروش صفوی، تهران: کتاب ماد.
۶. پرچم، اعظم، مستانۀ ابوتراپیان (۱۳۹۱)، «توسعة معنایی دعا در قرآن»، فصلنامه آموزه های قرآنی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، پاییز و زمستان، شماره ۱۵، صص ۴۷-۷۲.
۷. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق)، الصحاح، الطبعة الرابعة، بیروت: دار العلم للملایین.
۸. حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، تفسیر نور الثقلین، چاپ چهارم، قم: اسماعیلیان.
۹. خاقانی اصفهانی، محمد کبری رحیمی نوکانی (۱۳۹۸)، جلوه های بلاغی دعا در قرآن کریم، تهران: ویهان.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق: دار العلم الشامیة.
۱۱. رحیمی نوکانی، کبری (۱۳۹۸)، «جلوه های بلاغی دعاء در قرآن»، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، بهار، دوره جدید، شماره ۱۵، صص ۱۰۱-۱۱۸.
۱۲. سیوطی، جلال الدین (۱۳۲۵ق)، المزهر فی علوم اللغة و انواعها، قاهرة: مطبعة السعادة.
۱۳. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (بی تا)، الملل و النحل، الطبعة الثانية، قاهرة: مکتبه الأنجلو المصریة.
۱۴. صفری، کوروش (۱۳۸۰)، از زبان شناسی به ادبیات، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
۱۵. _____، (۱۳۸۶)، آشنایی با معناشناسی، تهران: پژوهشگاه کیوان.
۱۶. _____، (۱۳۸۷)، درآمدی بر معناشناسی، چاپ سوم، تهران: سوره مهر.
۱۷. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۸. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، العین، چاپ دوم، قم: دار الهجره.
۱۹. فولادوند، محمد مهدی (۱۳۷۴)، ترجمه قرآن کریم، چاپ سوم، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۲۰. قرشی، علی اکبر (۱۳۸۶)، قاموس قرآن، چاپ یازدهم، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۲۱. قمی، عباس (۱۴۱۴ق)، سفینة البحار، قم: اسوه.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳)، الکافی، چاپ پنجم، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۲۳. مشکوة الدینی، مهدی (۱۳۸۵)، سیر زبانشناسی، چاپ پنجم، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
۲۴. مصطفوی، سیدحسن (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۵. نورانی اردبیلی، مصطفی (۱۳۸۶ق)، بررسی عقاید و ادیان، قم: انتشارات چاپخانه علمیه.